



سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از آزادگان - 26 شهریور / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه‌ی بسیار خاطره‌ساز، و از لحاظ معنا، جلسه‌ی عظیمی است و حال و هوای مخصوصی بر این جلسه حاکم است. ما که از لحظات پرنج و ساعات آمیخته‌ی با صبر و استقامت شما، فقط از دور آشنا هستیم و از آنها خبر بسیار کمی داریم؛ در زیارت و دیدار با شما، احساس می‌کنیم که مجموعه‌ی از نعم الهی و کرامت‌های خدا بر بندگان صالح و مجموعه‌ی از امتحان‌های دشوار یک انسان مؤمن را در وجود شما می‌توان مشاهده کرد. ثواب الهی و مشاهده‌ی لطف و رأفت و رحمت حق و همچنین تجربه‌ی آن حالات و خصوصیات که فقط یک بنده‌ی مؤمن، آنها را در طول زندگی تجربه می‌کند، بر شما گوارا باد.

بعضی از آیات کریمه‌ی الهی، گویی در طول قرن‌های متمادی، یا به معنای واقعی تفسیر نشده بود و یا به وسیله‌ی ما و نسل‌های معمولی بشر فهمیده نشده بود. این آیات، در دوران انقلاب ما و در طول این ده، یازده سال پرحادثه و پرماجرا معنا شد. حق هم همین است. حوادث و شرایط خاص است که می‌تواند حقایق الهی را که در قالب الفاظ است، درست معنا کند. مثلاً آیات نازل شده در جنگ احد را نمی‌شود در یک زندگی عافیت‌آلود و عافیت‌آمیز، درست فهمید. آیات نازل شده در غربت نبی اکرم (صلى الله عليه و آله و سلم) و اصحاب آن بزرگوار در شعب ابی‌طالب یا در راه مکه را نمی‌شود در شرایط معمولی زندگی، در خانه و در بازار و در محیط مأنوس خانوادگی، درست درک کرد؛ چیز دیگری لازم است. شرایط خاصی لازم است که بسیاری از آیات معنا بشود و اگر بخواهیم درست نظر بدهیم، باید بگوییم که مجموعه‌ی آیات الهی، با تفاسیر ائمه‌ی معصومین (علیهم‌الصلاة و السلام) که در ظرف انقلاب و دوران بعثت و هجرت و جهاد و شهادت - دوران برانگیختگی و زحمت و تلاش - نازل شده بود، بهتر از همیشه‌ی تاریخ فهمیده می‌شود، یا قابل فهمیده شدن است.

یکی از آیات الهی این است که اگر برای خدا کار کنید، خدا به شما کمک خواهد کرد: "ولینصرن الله من ینصره". یکی از آیات الهی این است که اگر صبر و استقامت کنید، خدا را با خود خواهید یافت: "ان الله مع الصابرين". نمی‌شود این آیات را همین‌طور خواند و رد شد. هر کلمه‌ی از کلمات این آیات، یک تجربه‌ی زندگی و یک درس حکمت است. همین‌طوری نیست که بخوانیم و عبور کنیم و فکر کنیم که فهمیده‌ایم.

در قرآن کریم هست که هر کس در راه خدا تلاش کند، هر کس برای خدا مجاهدت کند، در حقیقت برای خود تلاش و مجاهدت کرده است: "و من جاهد فانما یجاهد لنفسه". اینها آیات الهی است. ما همه‌ی اینها را قبول داشتیم؛ اما قبول داشتن، یک مسأله است؛ لمس کردن، یک مسأله‌ی دیگر است. ما حالا این آیات را لمس می‌کنیم. در طول دوران نهضت و انقلاب، بعد از پیروزی انقلاب، در هشت سال جنگ، در این دو سال بعد از جنگ، مجموعاً در این یازده، دوازده سال بعد از بیست و دوم بهمن 57 تا امروز، اینها را یکی‌یکی تجربه و لمس می‌کنیم و قدم‌به‌قدم درک می‌نماییم؛ یعنی ملت ما اینها را درک می‌کند.

تا این‌جا هرچه وعده‌ی الهی بود، درست بود و عمل شد. هرچه تحلیل براساس آیات محکمت قرآن بود، درست از آب درآمد و محقق شد. تا این‌جا ما بوضوح و عیان دیدیم که یک ملت مؤمن و با خدا، وقتی همه‌ی دنیا هم در مقابل او قرار بگیرند، اگر بایستد و صبر کند، شکست نخواهد خورد؛ این را تجربه کردیم. همیشه می‌گفتیم، قبل از انقلاب و اوایل انقلاب می‌گفتیم، در طول این ده سال بارها و بارها می‌گفتیم؛ اما حوادث، این گفته را برای ما عینی و ملموس کرد.

در برهه‌ی طولانی‌یی از زمان، دو ابرقدرت و هم‌پیمانها و دنباله‌روهایشان - کسانی که منافعشان با آنها یکی است، کسانی که با آنها بدند، اما از آنها می‌ترسند - یعنی تقریباً همه‌ی دنیا در مقابل ما ایستادند و آن دشمن حقیر را



تقویت و پشتیبانی کردند. امروز، خود آنها اعتراف می‌کنند که اگر ما از عراق پشتیبانی کردیم، به خاطر دشمنی با ایران بود.

برادران ما در دولت سفارش کردند، در این زمینه کلیه‌ی اعترافاتی را که مقامات رسمی و خبرگزاریها و گویندگان و سخنگویان در دنیا دارند و بر زبان جاری می‌کنند، جمع کنند. اگر چنین شود، یک کتاب قطور می‌شود. شاید هم تا حالا شده باشد. همه می‌گویند ما رژیم عراق را قبول نداشتیم، جنایاتشان را هم می‌دیدیم، خلافاکاریهایشان را هم می‌دانستیم؛ اما برای خاطر جمهوری اسلامی ایران، برای خاطر این که اسلام قد علم نکنند، به آن رژیم کمک کردیم! در آن روز، همه‌ی دنیا در مقابل جمهوری اسلامی ایستادند.

امروز شما به دنیا نگاه کنید. امروز به اطراف خودتان، به افکار عمومی عالم، به مطبوعات جهان، به دولتهایی که در صف ایستاده‌اند، تا با جمهوری اسلامی رابطه‌ی دوستانه برقرار کنند، به آن کسانی که با صد زبان از گذشته عذرخواهی می‌کنند، نگاه کنید، ببینید جمهوری اسلامی در چه وضعیتی است؛ "و لینصرن الله من ینصره". خدای متعال، حتما و محققا کسانی که او را یاری کردند، یاری می‌کند و نصرت می‌دهد.

بعضی از شما ده سال، بعضی از شما هشت سال، بعضی از شما هفت سال، بعضی‌تان پنج سال و بعضی‌تان دو سال زجر کشیدید. یک روز اسارت هم بسیار است. یک ساعت اسارت در دست دشمن غدار جبار بی‌دین دست‌شسته‌ی از انسانیت هم سخت است. این هم یکی از نمایشهای اسلام بود. ما هم اسیران را نگهداشتیم، ما هم در میان اسرا محکوم داشتیم که محاکمه‌شان کردیم و مثلا به زندان محکوم شدند. امروز اسرایی که از ایران می‌روند، چه بخواهند و چه نخواهند، چه رؤسایشان اجازه بدهند و چه اجازه ندهند، تصویری که از اسلام و رأفت و اخلاق اسلامی در ذهن آنهاست، تصویری است که ما می‌خواهیم؛ نه آن که دشمن خواسته است.

اسرایی که تا گلوله‌ی آخرشان را مصرف کرده بودند، بعد دستشان را بالا کرده بودند، از ساعت اول، این بچه‌های جوان ما در جبهه، آب قمقمه‌ی خودشان را به آنها دادند. بعد که به این‌جا آمدند و داخل سربازخانه‌ها و اردوگاهها مستقر شدند، غذا و بازی و تفریح و کار یاد گرفتن و عزاداری و جلساتشان برقرار بود و کارهای فراوانی می‌کردند که شماها غالبا خبر ندارید. اگر یک وقت تلویزیون را - که مکرر این فیلمها را در این‌جا پخش کرده است - ببینید و دو وضعیت را با هم مقایسه کنید، خیلی تعجب خواهید کرد. آنها هم اگر وضعیت شما را بدانند، حقایقی را خواهند فهمید.

اسلام به ما راست گفت. اسلام به وعده‌هایی که به ما داده بود، عمل کرد. شما باعزت و سربلندی برگشتید. میان شماها افرادی هستند که کسان و دوستان آنها، باور نمی‌کردند که دیگر چشمشان به دیدار عزیزانشان روشن بشود؛ ولی خدا خواست و شد. البته ملت ما، ملتی عجیبند. دیدید که چه استقبالهایی از شما کردند. مخصوصا در روزهای اول دیدید که این ملت، یکپارچه چه شور و شوقی شد. این لحظات استقبال مردم، لحظاتی فراموش‌نشدنی است. مردم اصلا در دنیای دیگری بودند. ماها با این که در جریان بودیم و قضایا را می‌دانستیم و از پیش انتظار داشتیم، در آن روزهایی که شماها شروع به آمدن کردید، حال ما قابل توصیف نبود و نیست. و عده‌ی الهی را در مقابلمان می‌دیدیم که تحقق پیدا می‌کند. بحمدالله با سربلندی و عزت برگشتید، خانواده‌ها خوشحال شدند و ملت جشن گرفت.

در سالگرد جنگ تحمیلی، هر سال ما هفته‌یی به عنوان هفته‌ی دفاع مقدس داشتیم و امسال هم خواهیم داشت. این هفته، تقریبا عباره اخرای یک جشن پیروزی برای ملت ما خواهد بود. این هفته را امسال هم می‌گیریم، تا ملت ما ضمن این که یاد مفقودان عزیز و شهدای گرانقدرمان و هم‌زمان شماها را - که شهید شدند و خون و جانشان را در راه خدا دادند و درحقیقت پیروزیها را تضمین کردند - گرامی و بزرگ می‌دارد و برای آنها عزاداری می‌کند، در ایام دیگر هفته‌ی دفاع مقدس، ان‌شاءالله جشن پیروزی خواهد گرفت. این، وعده الهی بود که تحقق پیدا کرد؛ اما این‌جا



نیمه‌ی راه است. حرف اصلی من این است.

عزیزان من! آن روزی که خدای متعال، موسی را که بچه‌ی یکروزه یا چندساعته‌ی بود و مادرش او را به آب انداخته بود و به خدا سپرده بود، به او برگرداند، به وعده‌ی خود عمل کرد: "انا رادوه الیک". خدای متعال در این جا، دو وعده به مادر موسی کرد: یک وعده این بود که "انا رادوه الیک"; ما او را به تو برمی‌گردانیم. مادر هم دلش به همین وعده‌ی اول بیشتر بند بود؛ بچه‌اش است دیگر. بچه‌ی چندساعته را داخل جعبه گذاشته و به آب داده و خدا هم گفته که او را برمی‌گردانیم. وعده‌ی دومی هم بود که برای مادر موسی، خیلی باور کردنی نبود و آن، این بود: "و جاعلوه من المرسلین"; نه فقط ما او را برمی‌گردانیم، که پیامبر مرسل خودمان هم خواهیم کرد. اولی برای مادر موسی قابل فهم بود؛ یکی داخل آب می‌رود و موسی را می‌گیرد و به مادرش برمی‌گرداند - اگرچه خیلی دشوار بود - اما همین بچه را "جاعلوه من المرسلین"؟! آیه‌ی قرآن می‌فرماید: "فرددناه الی امه": او را به مادرش برگردانیم، "کی تقر عینها": تا چشمش روشن شود، "و لتعلم ان وعدالله حق": تا بداند که وعده‌ی خدا درست است؛ یعنی آن وعده‌ی دوم هم عملی خواهد شد. دیدی وعده‌ی اول چه‌طور زود عملی شد؟ دیدی بچه‌ی که در راه خدا داده بودی، چه‌طور زود به تو برگشت؟ آن وعده هم به همین شیرینی تحقق پیدا خواهد کرد.

عزیزان من، آزادگان، رزمندگان، خانواده‌ها، هجران‌کشیده‌ها، دل‌دادگان به اسلام و انقلاب و حاکمیت جهانی اسلام و همه‌ی ملت! یازده سال گذشت. یعنی در مقیاس تاریخ، یک چشم برهم زدن است؛ بیشتر که نیست. شما اگر تاریخ را نگاه کنید و بخوانید، می‌بینید که ده سال و یازده سال و پانزده سال و بیست سال، در طول تاریخ هیچ است؛ یک چشم به هم زدن است. در یک چشم برهم زدن، وعده‌ی اول الهی تحقق پیدا کرد. آن، چه بود؟ آن، این بود که ما شما را نصرت خواهیم داد و پیروز خواهیم کرد. پیروز شدیم دیگر. پیروزی از این بهتر؟ هیچ پیروزی‌یی برای ملتی که انقلابی است و مثل ماست، به این بزرگی و به این کمال و به این شیرینی نیست.

همه‌ی دنیا در مقابل شما آمدند، تا شما را از مرزهایتان یک قدم عقب بنشانند. میلیاردها صرف کردند، مجهزترین وسایل جنگی را آوردند، قدرتمندترین قدرتها با هم همدست شدند، از شرق و غرب کمک گرفتند، وسایل تبلیغاتی را با قوت هرچه تمامتر وارد کردند، هشت سال هم جنگیدند، بعدش دو سال هم چک‌وچانه زدند، آخرش نشد. کدام کشور و ملتی، برای قدرت و پیروزی خود، نشانه‌ی بالاتر از این می‌تواند داشته باشد؟ جنگهای دنیا، دوروزه و پنج‌روزه و ده‌روزه است. جنگ بین‌الملل، چهارساله و پنجساله است. تازه، تمام نقشه‌ی جغرافیایی عالم، در جنگهای بین‌الملل تغییر و تبدیل پیدا می‌کند. در آن قسمت خلیج فارس، چند ساعت زدوخورد شد، نقشه‌ی جغرافیایی دنیا الان تغییر پیدا کرده و همه‌ی دنیا به خلیج فارس لشکر کشیده‌اند. اینها را با هشت سال جنگ همه‌جانبه با کشور ما مقایسه کنید. بعد از آن که همه‌ی زورهایشان را زدند، تازه ملت ایران از آنها بانشاطتر، شادابتر، کشور دست‌نخورده‌تر است و نیروهای نظامی منظمتری دارد.

شما حالا به ارتش و سپاه می‌روید و می‌بینید که ارتش و سپاه امروز، با ارتش و سپاه ده سال قبل که شماها رفتید، قابل مقایسه نیست. ارتش امروز، یک ارتش منظم، محکم، منضبط و با تجهیزات عالی است. سپاه امروز، یک سازمان بی‌نظیر و یک نیروی انقلابی زنده است. ملت را هم که می‌بینید چگونه ملتی است. پیروزی، یعنی این. آن دشمنی هم که وجه‌المصالحه‌ی خرده‌حسابهای قدرتها با ما شده بود، حالا می‌بینید در چه روز و چه وضعی است. دنیا هم نسبت به همه‌ی ما، با کمال احترام و تعظیم و تجلیل برخورد می‌کند. این، وعده‌ی اول بود؛ "ولینصرن الله من ینصره": هر که خدا را نصرت کند، خدا او را نصرت می‌کند. شماها نصرت کردید دیگر. در میدان جنگ، خدا را نصرت کردید. در سلول، با صبرتان نصرت کردید. در اردوگاه، با ایستادگیتان نصرت کردید. در مراجعت، با روحیه‌ی خوبتان نصرت کردید. ملتتان هم، با آن صبر فوق‌العاده و حضور در همه‌ی میدانهای خطر، نصرت کردند. شماها خبر ندارید که در این دهساله، چه گذشته است. حالا به مرور ان‌شاءالله به شما گفته خواهد شد. همین شهر



تهران، بارها مورد تهاجم موشک‌های دوربرد قرار گرفت که یک‌بار آن دو ماه طول کشید. دو ماه، شب و روز، نصف شب، صبح، به تهران موشک خورد. در هر شبانه‌روزی، ده، پانزده موشک به شهر تهران می‌خورد و مردم هم زندگی می‌کردند. یک روز زیر همین موشک‌ها، مردم ما روز قدس را گرامی داشتند. اجتماع عظیمی در تهران و همه‌ی شهرهای کشور شد که باید بگوییم مخصوص شماها، فیلم‌های آن روزها را بگذارند، تا شما ببینید که در این کشور، چه گذشته است. شهرهایی مثل دزفول و دیگر شهرهای خوزستان و بسیاری از شهرها - شاید پنجاه، شصت شهر - در طول چند سال، به طور دائم زیر موشکباران دشمن بود. مگر تحمل چهار، پنج سال شوخی بود؟

درعین حال، امام بزرگوار این ملت - آن نسخه‌ی انبیا (نمی‌گویم نسخه‌ی کامل؛ امام شاگرد آنها بود و خودش می‌گفت من خاک پای اولیا و انبیا هستم. اگر آدم بخواهد قدری چهره و روش و اخلاق و نفوذ کلمه‌ی پیامبران را بفهمد، باید به زندگی امام نگاه می‌کرد) - یک اشاره می‌کرد، این ملت "من کل فج عمیق" بیرون می‌ریختند و سپاهها و جمعیتها تشکیل می‌دادند. ارتشی یک‌طور، سپاهی یک‌طور، بسیجی یک‌طور، نیروهای انتظامی یک‌طور، کسانی که تفنگ به دست نگرفته بودند، طور دیگر بیرون می‌ریختند و به جبهه‌ها می‌رفتند. اینها، نصرت الهی است؛ "ولینصرن الله من ینصره".

خدا این وعده‌ی اول الهی را به خاطر نصرت تحقق بخشید؛ اما وعده‌ی دوم هنوز باقی است. وعده‌ی دوم این است: "ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادي الصالحون". در یک آیه‌ی دیگر: "ان الارض لله یرثها من یشاء من عباده". در یک آیه‌ی دیگر: "لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون". یعنی این پرچم توحید و اسلام و ایمان، این پرچم ایستادگی در مقابل ظلم و جور از هر کس و هر جای عالم، این پرچم استقلال ملت‌ها در مقابل قدرتهای زورگویی عالم، باید در سرتاسر جهان و به عنوان مرکز امید همه‌ی مستضعفان عالم، به اهتزاز در بیاید. ملت‌ها امید بسته‌اند و بیدار شده‌اند. مسلمانان، امروز به اسلام خودشان افتخار می‌کنند و احساس عزت می‌نمایند. امروز ترس قدرتمندان و زورگویان عالم، فقط از اسلام و قرآن و مسلمانان واقعی است. امروز واهمه‌ی مرتجعان و پیروان و علمداران اسلام امریکایی، از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) است. همه فهمیدند و دانستند که اسلام از جا برخاسته و حرکت را آغاز کرده و بازوان خود را باز کرده است و به مسلمانان امید و به مستضعفان نوید می‌دهد؛ و این هم خواهد شد. اگر مشکلاتی بر اثر نفوذ ابرقدرتهاست، برطرف می‌شود.

جامعه‌ی ما که ام‌القرای اسلامی و مرکز توجهات جهانی اسلام است، ان‌شاءالله طبق وعده‌ی الهی، با همان شکلی که اسلام خواسته، به صورت کامل - که ما از آن صورت کامل هنوز خیلی فاصله داریم - ساخته خواهد شد و به آن جا خواهیم رسید. اینها، وعده‌ی الهی است. وقتی این وعده‌ی اول تحقق پیدا کرد، شما باید دل‌هایتان را محکم و یقین‌هایتان را کامل کنید که وعده‌های بعدی و بزرگتر هم - که مضمون آیات کریمه‌ی قرآن است - تحقق پیدا خواهد کرد. راهش این است که ما مجاهدت را از دست ندهیم. همه‌ی جهاد، به جبهه رفتن نیست. هر جا هستید، می‌توانید مجاهد فی سبیل الله باشید.

شما با ذخیره‌ی گرانبهائی برگشته‌اید و تجربه‌ها و آگاهیها و تواناییهایی کسب کرده‌اید. این تجربه‌ها باید در خدمت سازندگی کشور به کار گرفته بشود. شما ارتشیها در ارتش، شما سپاهیها در سپاه، شما بسیجیها در همه جای کشور هستید، که باید از این تجربه‌ها و آگاهیها استفاده بشود. خودتان را به عنوان کسانی بدانید که خدای متعال بر شما منت گذاشت، شما را زنده نگهداشت، شما را با انواع و اقسام تجربه‌ها و روحیاتی که ناشی از دوران اسارت است و صبر و استقامت و حلمی که نتیجه‌ی آن دوران و آن روزهاست، به دامن و آغوش ملتتان برگردانده است. باید تلاش کنید، کار کنید و در صفوف مقدم باشید.

اگر ما وحدت کلمه نداشتیم، هیچیک از این پیروزیها را به دست نمی‌آوردیم. امام بزرگوار راحل ما، بیشترین توصیه‌ی دوران ده، یازده سال زندگی مبارک خودش را درباره‌ی وحدت کلمه‌ی بین قشرهای امت کرد. ما امروز این



وحدت کلمه را داریم; باید آن را حفظ کنیم. مبدا گروه‌گرایی‌ها، جناح‌گرایی‌ها، سازمان‌گرایی‌ها، خطرگراییه‌ها، حب به نفس‌ها، افرادی را به این طرف یا آن طرف بکشاند. البته آن بدنه‌ی ملت و آن بخش اصلی امت بزرگوار ما، محکم، باصلابت، یکپارچه و دست‌نخورده بوده و هست. ممکن است در گوشه و کنار، آدم بداخلاق و بی‌توجهی، چیزی بگوید و حرفی بزند; باید آن را در امواج خروشان احساسات و امید ملت گم کرد. نباید بگذارید اختلاف، دودستگی و چنددستگی، این یکپارچگی را از بین ببرد. به خدا توکل کنید. هرچه دارید و داریم، از خداست. هرچه می‌گوییم، متعلق به خدا و ان‌شاءالله برای خداست. این راه باید راه خدا باشد و خدا در ذهن‌ها و نظرهای ما دایما باشد و او هم به ما ان‌شاءالله کمک خواهد کرد.

امیدوارم وجود مقدس ولی‌عصر (ارواحنا فداه)، ما و این ملت عزیز را مشمول دعا‌های زاکیه‌ی خودشان قرار بدهند و روح مطهر امام عزیزمان هم توفیقات شما ملت را از خدا بخواهند.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته